



گفتگوی منصور خلیج

هر کس مورخ زندگی خودش است

داوود کیانیان | تاریخ شفاهی یکصد سال نشر کودک و نوجوان در ایران

گفتگوی پایتختیستان نشر کودک و نوجوان | به کوشش بنیاد نمایش کودک



هرکس مورخ زندگی خودش است

خلج، منصور، ۱۳۲۹ -، مصاحبه‌شونده

هر کس مورخ زندگی خودش است: گفتگو با منصور خلج / داوود کیانیان؛ به کوشش بنیاد نمایش کودک؛ با همکاری گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری و شنیداری معاونت پژوهش و فن‌آوری برنامه‌ریزی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۰.

۱۷۰ ص.: منصور

تاریخ شفاهی یکصد سال تئاتر کودک و نوجوان در ایران: گفتگو با پیشکسوتان تئاتر کودک و نوجوان.

شابک: ۷-۷۱۲-۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸

گفتگو با منصور خلج.

خلج، منصور، ۱۳۲۹ -

نمایش کودکان و نوجوانان — ایران

نمایشنامه‌نویسان ایرانی — قرن ۱۴ — سرگذشته

نمایشنامه‌نویسان ایرانی — قرن ۱۴ — مصاحبه‌ها

کیانیان، داوود، ۱۳۲۱ -، مصاحبه‌گر

بنیاد نمایش کودک

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری و شنیداری

رده‌بندی کنگره: PN۳۱۵۹

رده‌بندی دیویی: ۷۹۲/۰۲۲۶۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۷۲۰۹۶



گفتگو با منصور خلیج

هر کس مورخ زندگی خودش است

داوود کیانیان | تاریخ شفاهی یکصد سال تئاتر کودک و نوجوان در ایران

گفتگو با پیشکسوتان تئاتر کودک و نوجوان | به کوشش بنیاد نمایش کودک



هر کس مورخ زندگی خودش است: گفتگو با منصور خلیج

گفتگو: داوود کیانیان

ویرایش: شکوفه جودکی

صفحه‌آرایی: مهسا خوش‌نیت - فریدون سامانی

طراحی جلد: حمید باهو

مجموعه تاریخ شفاهی

چاپ اول: ۱۴۰۰ / ۳۳۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۱۲-۷

ISBN: 978-600-405-712-7

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۶۸۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳

فروشگاه شماره سه: پاسداران / میدان هروی / مجتمع هدیش مال

فروشگاه شماره چهار: خیابان فرشته / آقا بزرگی / باغ ریشه / پ ۳۱

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۳۷ - ۷ - ۸۸۳۲۵۳۷۶

آدرس سایت: www.salesspublication.com

آدرس اینستاگرام: [salesspublication](https://www.instagram.com/salesspublication)

این مجموعه شامل هفت گفتگو است با؛ بانو پروانه باغچه‌بان، رضا بابک، داوود کیانیان، بهرام شاه‌محمدلو، قطب‌الدین صادقی، رضا فیاضی و منصور خلج، پیشکسوتان عرصهٔ تئاتر کودک و نوجوان.

با سپاس و همکاری:

ولی‌الله مرادی؛ (حمایت مالی)، منصور خلج؛ مدیر اجرایی جهت تولید کتاب، مرجان سمندری معطوف؛ تنظیم و بازخوانی، فهیمه آزاده؛ کارشناس مصاحبه، فاطمه جبرائیلی؛ پیاده‌سازی متن، مرضیه سادات مقیمی؛ تایپ، سهیلا صفری؛ پیاده‌سازی متن.
با سپاس ویژه از آقای غلامرضا عزیزی، رئیس پژوهشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سرکار خانم شفیقه سادات نیک‌نفس؛ رئیس گروه تاریخ شفاهی و آقای محمد محمدی‌نیا؛ همکار اجرایی.

اعضای بنیاد نمایش کودک

دکتر یداله وفاداری، دکتر یداله آقاعباسی، مسلم قاسمی، عباس جهانگیریان، منوچهر اکبرلو، حسین فدایی‌حسین، داوود کیانیان، فائزه فیض‌شیخ الاسلام و منصور خلج

فهرست

- گفتگو با منصور خلیج ۹
- به نام تصویرگر هرچه زیبایی است ۱۱
- مقدمه پژوهشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۷
- مقدمه بنیاد نمایش کودک ۲۱
- هرکس مورخ زندگی خودش است ۲۳
- فهرست آثار ۱۴۵

گفتگو با منصور خلیج



به نام تصویرگر هرچه زیبایی ست

«گر در سرت هوای وصال است حافظا

باید که خاکِ درگه اهلِ هنر شوی»

مقال و مقوله هنر، از هر سنخ و صنفی، قدمتی به درازای تاریخ حیات بشری دارد. هنر کمالِ زیبایی است و انسان هم ذاتاً زیاجو و زیاخو و زیاپسند. از همین رو، حس زیبایی شناسی و زیبایی طلبی از آغاز با آدمی همراه و همزاد بوده است. هنر عصاره اندیشه‌هایی است که از عمق جان می‌جوشد و بر لوح هستی رخ می‌نمایاند. هنر در گُنه ذات و فطرتش دل‌نواز است و روح‌پرور، و هنرمند به پشتوانه چنین پیشینه‌ای دریچه‌ای از نشاط و شمع را فراروی دیدگان مشتاق می‌گشاید. از این منظر می‌توان هنر را دروازه تمدن بشر و شکوه خلاقیت نامید. هنرمندان در هر زمان و دوره‌ای، بخشی از تاریخ و تمدن ایران زمین را ورق زده‌اند و تورق این تاریخ سرشار آفرینش و زیبایی، چشمان تیزبین هر نظاره‌گری را به منظره‌هایی بکر و چشم‌نواز جلب و جذب می‌کنند. ذهن و زبان این مفاخران قبیله احساس و پیشقراولان قافله دانش، لبریز اندیشه‌های ناب است که هر کدام به نوبه خود خاستگاه لطافت و ظرافت‌اند. آسمان بلند فرهنگ و هنر ایران زمین همواره پرستاره بوده و فروغ فرهنگ فرزاندگی ایرانیان همواره دل و دیده جهانیان را روشنی و گرمی بخشیده است.

پاسداشت اهالی سربلند هنر و هنرمندان نام‌آور اهل دل در واقع گسترش آیین تکریم و قدرشناسی در جامعه است؛ مفهومی ارجمند که چه بسا گاهی ناغافل از کنارش می‌گذریم و زمانی به خود می‌آییم که نه نشانی از هنر مانده است و نه ردی از هنرمند. هنرمندان پیشکسوت از جمله سرمایه‌های اجتماعی هستند که دانش، بینش و مهارت آن‌ها آمیخته با تجربه‌های گرانسنگی شده که می‌تواند چراغ راه آیندگان و علاقه‌مندان تمامی عرصه‌های هنری باشد. حضور و تنفس این روسفیدان موسپید در جامعه، به واسطه یادگارهای ماندگارشان، سرشار انگیزه و انرژی برای نسل‌هایی است که پایه‌پای آثارشان بالیده و خاطرات خوشی را در ذهن و ضمیر خویش حک کرده‌اند.

پیشکسوتان عرصه هنر، در حقیقت باید نوعی ارتباط بین نسل‌های مختلف برقرار نمایند و با ثبت و ضبط تجربه‌های خود به نسل جوان و جویای هنرهای ناب کمک کنند. بر ماست که این گوهران ناب نایاب و معرفت وجودی آن‌ها را شناسایی کرده و در کسب معرفت از آنان یاری جویم تا خدای ناکرده آیندگان بر ما خرده نگیرند. ایران مهد بالنده فرهنگ و هنری است که سهمی شایان در بنیان‌های تمدن بشری دارد و نمایاندن گوشه‌های پنهان هنر و فرهنگ این سرزمین و پهنه ایران فرهنگی به همت و تلاش اساتید و سعی پیشکسوتان فراهم آمده که در راه اعتلایش از خود گذشته‌اند تا این شکوه فرهنگی را به جهانیان برسانند و این میسر نمی‌شود مگر با ثبت رویدادهای زندگی این هنرمندان. این سرزمین زرخیز در طول تاریخ هنرمندان زیادی را به خود دیده است، اما شاید مردم این سامان تعداد کمی از آن‌ها را به خاطر سپرده‌اند. به این دلیل که تجارب و خاطرات آن‌ها ثبت نشده، آن‌هم در جهان نوینی که قابلیت‌های آن فراتر از کاغذ و کتاب است. به عبارتی در چنین شرایطی، فیلم و صوت و فضای مجازی به صحنه آمده است. آیندگان ما را نمی‌بخشند اگر نتوانیم این تجربه‌ها را با چنین ابزارهای نوظهوری به دست آن‌ها برسانیم. خوشحال و خرسندیم که دیرگاهی است نهضت کرامت هنرمندان آغاز

شده و مراکز فرهنگی، هر کدام بنا به حوزه مسئولیت و میزان توانایی خویش، نکوداشت هنرآفرینان و خالقان هنر را در دستور کار قرار داده‌اند. در این میان، خلأ کم‌توجهی به هنرمندان حوزه کودک - علی‌رغم نقش حساس و حیاتی‌شان - بیش از پیش احساس می‌شد. بدیهی است که ذهن و ضمیر کودک همچون لوح سفید نانوشته‌ای آماده پذیرش هر کنش و واکنشی است؛ بنابراین شخصیت انسان از کودکی شکل گرفته و با همان دیدگاه و اندیشه ترقی می‌یابد. این نکته ظریفی است که گاهی هم از لحاظ روانشناسی و هم از جنبه ثبات ذهنی نادیده گرفته شده و در درازمدت بر خمیره وجودی این موجود زنده، تأثیری منفی و چه بسا ناخوشایند می‌گذارد. ترویج توجه به هنرمندان «کودک‌کار» و «کودک‌ساز» موجب رشد تفکر و بالندگی نسل آینده می‌شود، نسلی که قرار است در پرتو داشته‌ها و اندوخته‌های ذهنی خود، به پویایی جامعه‌اش کمک کند. با مرور همین چند جمله کوتاه درمی‌یابیم رسالت هنر را در ساختن شخصیت کودکان دلبندمان.

هنر حقیقی و حقیقت هنر همیشه ارتباط تنگاتنگی با آموختن و آگاهی دارد. این رسیدن به دانایی اگر در قالبی به نام هنر نمایش یا رسانه تصویر منتقل شود چه بسا که کارکردش فراتر از دیگر روش‌های معمول تعلیم و تربیت است. فعالیت‌های هنری در حوزه کودکان و نوجوانان، برخلاف تصور عامه، بسی دشوار است و به تعبیری آدم خودش را می‌طلبد. یکی از این چهره‌های شاخصی که عمری در این راه صرف کرده، منصور خلج است. هنرمندی که کودکی‌اش با دورهمی‌های ادبی و بازخوانی شاهکارهایی همچون شاهنامه درآمیخت و سرنوشتش را به سمت جهان جاودانه هنر سوق داد. روزگار جوانی را با بزرگان هنر ایران ارتباط گرفت و آموخته‌هایش را غنای مضاعف بخشید.

شرح زندگی سرشار هنر «منصور خلج» در کتاب وزین «هر کس مورخ زندگی خویش است» فرصت خوانش یافته‌اند. کتابی که واگویه روزگار تنفس

در هوای هنر است و هنرمندی‌های متعهدانه و خاضعانه این هنرمردِ هنرمند را روایت می‌کند. مرقومه‌ای که به جد و جهدِ داوود کیانیان فراهم آمده و ماحصل گفت‌وگوی وی با راوی است، یکی از هفتگانهٔ تاریخ شفاهی یک‌صد سال تئاتر کودک و نوجوان ایران. زمانهٔ زندگی این بازیگر، نویسنده و کارگردان صاحب‌سبک، پایه‌ای زمان و در هم‌نشینی خط و خیال و خاطره به زیبایی از دل بیان شده و لاجرم بر دل می‌نشیند.

این کتاب، حکایت مردی از تبار هنر را به تصویر می‌کشد که در نمایش‌های «چوب‌به‌دست‌های ورزیل»، «ملاقات بانوی سالخورده»، «میراث» و «ویتسک» با بازیگران بزرگ آثار نمایشی ایران همبازی شد. کسی که در کنار نویسندگی در حوزهٔ تخصصی هنر، با سفر به نقاط مختلف کشور، داشته‌های ذهنی و اندیشه‌های تجربی‌اش را در اختیار علاقه‌مندان گذاشت. دنیایش را با «هدهد»، «کجا کجا پرنده‌ها» به دنیای خیال‌انگیز کودکان پیوند داد. با «جاری مثل جویبار» و «حقیقتِ مردِ دانا» به دل مخاطب نشست. «توکا در قفس» و «ماهی سیاه کوچولو» را به نگاهِ معصومانهٔ دوستانش هدیه داد و با «آهای دوستانو بشناس» آن‌ها را به آیینِ مهربانِ دوستی دعوت کرد. منصور خلیج یا همان حسین خلیج امیرحسینی، یکی از نوادر هنر ایران زمین است که آرزومندیم تا دنیا دنیاست سایه‌اش بر سر علم و فرهنگ میهن‌مان مدام و مستدام باد.

«مؤسسه هنرمندان پیشکسوت» به‌عنوان متولیِ تکریم این قشر فرهیخته و فرهنگ‌مدار، از جمله برنامه‌ریزی‌هایی که انجام داده ثبتِ تاریخ شفاهی و تجربهٔ زیستی این هنرمندان است که به‌صورت مکتوب در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. از این بابت به خود می‌بالیم که توانسته‌ایم علاوه بر رسالتِ ذاتی مؤسسه، در حد ضرورت و امکان، قدمی هرچند کوچک اما ماندگار در گرامی‌داشت پیشکسوتان هنر برداریم.

جا دارد از مجموعه دوستانِ فرهنگ و هنر ایران زمین در «بنیاد نمایش کودک»، «کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران» که این خاطرات را با علاقه و

سعه صدر ثبت و ضبط کردند تشکر نمایم، همچنین قدردانی ویژه از «جناب آقای محمدعلی جعفریه» مدیر محترم انتشارات ثالث که برای چاپ شایسته آثاری از این دست همت به خرج دادند. بیکران سپاس از نویسنده و پژوهشگر هنر و ادبیات، خاصه حوزه کودک و نوجوان، جناب مستطاب «داوود کیانیان» عزیز که عاشقانه چنین اثر نابی را به رشته تحریر درآوردند. نهایت تمجید و امتنان از راوی بی‌ریای این خاطره‌های صمیمی؛ «منصور خلیج»، که طبع اثر حاضر حاصل واگویه‌های چون در و گوهر اوست. باشد که مقبول نظر دوستداران هنر و هنرمندان واقع شود. امیدوارم هنرمندان صاحب‌نام و دانش‌گستران صاحب‌سبک را در زمان حیات‌شان دریابیم و از گنجینه نهفته در ذهن و ضمیرشان بهره بگیریم تا در پیشگاه جان‌های آگاه سرافکننده نباشیم.

نیکنام حسین‌پور

مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت

پاییز ۱۴۰۰

مقدمه پژوهشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

قریب به سه دهه است که سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در زمینه تهیه و تدوین طرح و مصاحبه تاریخ شفاهی فعالیت دارد و از این رهگذر تاکنون با بیش از ۷۵۰ نفر از شخصیت‌های مؤثر در حوزه‌های مختلف سیاسی، هنری، فرهنگی و علمی که بالغ بر ۳۰۰۰ ساعت مضبوط است، مصاحبه به عمل آورده است. بر این مقدار باید حداقل مدت ۱۰۰۰ ساعت مصاحبه انجام شده در مدیریت‌های دوازده‌گانه سازمان اسناد و کتابخانه ملی در استان‌ها را هم افزود که در حوزه تاریخ محلی به مصاحبه با شخصیت‌های اثرگذار تاریخ معاصر می‌پردازند.

فعالیت تاریخ شفاهی در سازمان اسناد ملی در سال ۱۳۷۱ آغاز شد و در طول زمان و در تشکیلات نوین سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران تداوم یافت. از این رو این سازمان را می‌توان جزو پیشگامان این حوزه پژوهشی در ایران دانست و با توجه به ماهیت خود که از سویی مرجع آرشیو و علوم آرشیوی برای دستگاه دولت و از سویی نیز مرجع علوم اطلاعات و دانش‌شناسی بوده، هدف آن در حوزه پژوهش تاریخ شفاهی، نیز پاسخگویی به جمیع مخاطبان پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در حوزه‌های گوناگون سیاسی، علمی، فرهنگی و هنری بوده است.

در زمینه تاریخ هنرهای نمایشی، پیشینه چشمگیری در آرشیو ملی ایران وجود دارد تا آنجا که بالغ بر ۲۰۰۰ عنوان سند با موضوع نمایش و تئاتر در گنجینه اسناد این سازمان وجود دارد. از این جاست که در سال ۱۳۸۱ کتاب دوجلدی اسناد نمایش مربوط به مقطع زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ با استفاده از این گنجینه به چاپ رسید. همچنین کتاب نمایش در تبریز از انقلاب مشروطه تا نهضت ملی نفت نیز در سال ۱۳۸۲ از مجموعه اسناد ملی در استان آذربایجان شرقی در تبریز به چاپ رسید. گذشته از اسناد دولتی، در مجموعه اسناد اهدائی نیز اسناد اهدائی جبار باغچه‌بان، یکی از مجموعه‌های مهم در زمینه اسناد نمایش در حوزه تئاتر کودکان و نوجوانان است که مبنای پژوهش‌های مهمی در این زمینه قرار گرفته است.

در مجموعه‌های تاریخ شفاهی نیز پیش از این در سه مقطع زمانی به این موضوع توجه شده و مصاحبه‌های گسترده‌ای صورت گرفته است. یکبار در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ که از جمله مهم‌ترین مصاحبه‌شوندگان آن عبارت بودند از: علی‌اصغر گرمسیری، غلامحسین نقشینه، مرتضی احمدی، ساموئل خاچیکیان، ولی‌الله خاکدان، نصرت‌الله کریمی، توران مهرزاد، رقیه چهره‌آزاد، مهری مهرنیا و جمعی دیگر از بزرگان. پس از آن در سال ۱۳۸۴ به این موضوع مجدداً توجه شد و مصاحبه با هنرمندان نمایش چون جمشید لایق، جعفر والی، اسماعیل سنگله، فهیمه راستکار، محمدعلی کشاورز صورت گرفت.

بار دیگر در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ بود که در قالب پروژه بزرگ تاریخ شفاهی، با تعدادی از هنرمندان عرصه نمایش مصاحبه به عمل آمد که مهم‌ترین مصاحبه‌شوندگان عبارت‌اند از: علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، قطب‌الدین صادقی، داوود رشیدی، داریوش فرهنگ، محمدعلی نجفی و

همچنین در ادامه این مصاحبه‌ها دو طرح «تاریخ شفاهی سینمای ایران به روایت نسل دوم کارگردانان مؤلف سینما» و «تاریخ شفاهی سینمای ایران به روایت نسل دوم بازیگران سینما» نیز تهیه شده است که در فرصت مناسب در برنامه اجرا قرار خواهد گرفت.

در تکمیل موجودی یادشده، بر اساس تفاهم‌نامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با بنیاد نمایش کودک، طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان از سوی آقای داوود کیانیان در دست اجرا است که مصاحبه با ۲۰ تن از پیشکسوتان نمایش کودک و نوجوان را در دستور کار دارد. تاکنون با اغلب هنرمندان اثرگذار این صحنه، مصاحبه صورت گرفته است. از این دسته هنرمندان می‌توان به نام رضا بابک، رضا فیاضی، داوود کیانیان، احمد بیگلریان، عباس جهانگیریان، مسلم قاسمی، قطب‌الدین صادقی، منصور خلج، عادل بزدوده، حسن دادشکر، بهرام شاه‌محمدلو، رضا کیانیان، مجتبی کاظمی، مهدی قلعه، ناصر آویژه، امیر مشهدی‌عباس، مجتبی مهدی و نیز سرکار خانم‌ها پروانه باغچه‌بان، سوسن مقصودلو، هما جدیکار، لاله مال میر، فائزه فیض و مریم کاظمی اشاره کرد. ایده تهیه تاریخ شفاهی نمایش کودک و نوجوان ابتدا به وسیله بنیاد نمایش کودک به سازمان پیشنهاد شد که پس از ارزیابی و طی مراحل اداری نسبت به اجرای طرح در قالب تفاهم‌نامه بین سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و بنیاد نمایش کودک تصمیم‌گیری شد که این تفاهم‌نامه در ذیل توجهات فرهنگ دوستانه سرکار خانم دکتر اشرف بروجردی، ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۷ در مراسمی با حضور جمعی از هنرمندان و پژوهشگران حوزه نمایش کودک به نمایندگی آقای غلامرضا عزیزی از جانب سازمان و آقای داوود کیانیان از جانب بنیاد و با حضور حامی مالی طرح، آقای ولی‌الله مرادی‌بجستانی در ساختمان آرشیو ملی - سالن پرهام به امضا رسید و از آن تاریخ تاکنون که ۱۶ ماه از آغاز آن گذشته است بیش از سی جلسه مصاحبه تاریخ شفاهی با موضوع تئاتر کودک برگزار شده است.

مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در این سازمان در استودیوی تاریخ شفاهی به صورت صوتی و تصویری ضبط شده و مراحل پیاده‌سازی، فهرست‌نویسی، ثبت اطلاعات کتابشناختی در نرم‌افزار رسا، اطلاع‌رسانی حضوری برای آن‌ها انجام

می‌شود. همه پژوهشگران علاقه‌مند به این دسته از منابع با عضویت در کتابخانه ملی می‌توانند به صورت کتابخانه مرجع از این منابع استفاده نمایند. هر گونه اطلاع‌رسانی منابع تاریخ شفاهی در این سازمان منوط به شرایط دسترسی اعلام شده از سوی مصاحبه‌شوندگان به سازمان است و سازمان خود را مکلف و ملزم به رعایت این شرایط می‌داند.

و سپس از نیکنام حسینی پور مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت که با همت و یاری او این کتاب‌ها به دست انتشار سپرده شد تا در دسترس علاقمندان قرار گیرد.

و تشکر از محمد علی جعفریه مدیر نشر ثالث که با عنایتش کتابها به زیور چاپ آراسته شدند.

و با ابراز ارادت به هنرمندان پیشکسوت که با صرف وقت و حوصله توفیق مصاحبه به ما دادند و عکسها و مدارک ارزشمند خود را از فعالیت‌های تئاتری‌اشان برای کودکان و نوجوانان در اختیار ما گذاشتند.

مجموعه حاضر، اولین مجلد از مجموعه مصاحبه‌های تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان است که به همت بنیاد نمایش کودک منتشر گردیده است. این مصاحبه‌ها در گروه تاریخ شفاهی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ضبط و ثبت شده است.

امید است که این اقدام مشترک، قدم مؤثری در جهت حفظ هویت فرهنگی و هنری کشور عزیزمان، ایران و راهگشای پژوهشگران تاریخ معاصر باشد.

مقدمه بنیاد نمایش کودک

اگر آغاز تئاتر کودک را سال ۱۲۹۸ شمسی در نظر بگیریم که زنده‌یاد جبار باغچه‌بان با بچه‌های مدرسه «احمدیه» در مرنده نمایش «خُرخر» را روی صحنه برد، اینک ما در آغاز قرن دوم این پدیده مهم هنری و فرهنگی قرار داریم. این جریان فرهنگی، تاریخ یک قرن خود را می‌طلبد. فرهنگ‌نامه خود را می‌خواهد و پژوهش‌هایی را می‌طلبد که در کمیت و کیفیت آن به جست‌وجو بپردازند.

آنچه پیش روی شماست نخستین مجموعه از کتاب‌هایی است که در طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان منتشر می‌شود. این طرح می‌کوشد زندگی، آثار، شیوه‌های آموختن و آموزش دادن‌های هنرمندان پیشکسوت تئاتر کودک را جمع‌آوری، تدوین و انتشار دهد تا تجربیات آن‌ها به کار نسل‌های بعد بیاید و چه نیکو که آغازگر این مجموعه، پروانه باغچه‌بان، فرزند برومند زنده‌یاد جبار باغچه‌بان آغازگر این حرکت فرهنگی هنری است. این مجموعه مروری است بر زندگی، به‌ویژه کودکی با تمرکز بر فعالیت‌های این هنرمندان در حوزه تئاتر کودک و نوجوان. امید است دیگر فعالیت‌های هنری و اجتماعی این هنرمندان نیز توسط دیگر پژوهشگران تدوین و منتشر شود.

در مسیر به ثمر رسیدن این کتاب همراهانی داشته‌ایم. سپاس فراوان داریم از آقای غلامرضا عزیزی رئیس پژوهشکده، خانم شفیقه‌سادات نیک‌نفس رئیس

گروه تاریخ شفاهی مرکز اسناد و کتابخانه ملی، و با سپاس ویژه از ولی الله مرادی بجستانی که با حمایت بی دریغشان ما را در ضبط و انتشار این مجموعه یاری کردند.

و اما اگر نبود نظارت و همراهی گام به گام اعضای بنیاد نمایش کودک این فعالیت نمی توانست به ثمر برسد. آنان که در طول چند سال در طرح، اجرا، ویراستاری و انتشار این مجموعه صمیمانه راه را هموار کردند.

دکتر یداله وفاداری، دکتر یداله آقاعباسی، منصورخلج، مسلم قاسمی، عباس جهانگیریان، منوچهر اکبرلو، حسین فدایی حسین داوود کیانیان و خانم فائزه فیض شیخ الاسلام.

بنیاد نمایش کودک

مهر ماه ۱۳۹۸

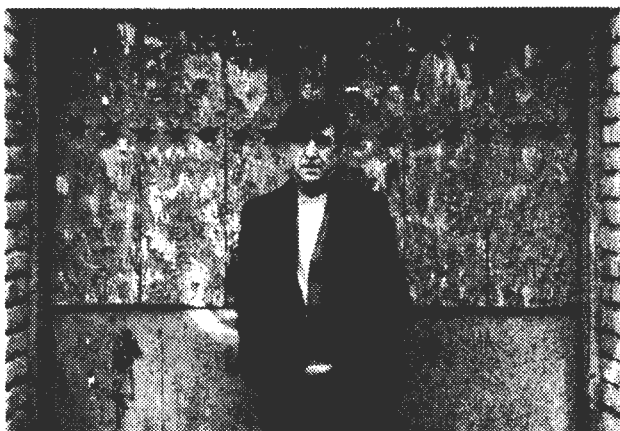
هرکس مورخ زندگی خودش است

● گفتگوی امروز ما با یکی از شخصیت‌های هنرمند و پیشکسوت عرصهٔ تئاتر کودک و نوجوان، استاد منصور خلیج است. سلام استاد منصور خلیج، به برنامهٔ تاریخ شفاهی صد سال تئاتر کودک و نوجوان خوش آمدید.

○ متشکرم، من هم خدمت شما سلام عرض می‌کنم.

● آقای خلیج همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید ما تاریخ شفاهی صد سال تئاتر کودک و نوجوان را با مصاحبه با پیشکسوتان این عرصه ثبت می‌کنیم تا ان شاء الله منبع و یادگاری از ما برای آیندگان و پژوهشگران این عرصه باشد، برای شروع از تولدتان بگویید، کجا متولد شدید؟

○ من ابتدا باید تشکر می‌کنم بابت این اتفاقی که در آستانهٔ صدسالگی تئاتر کودک و نوجوان می‌افتد و به همت شما قرار است به سرانجام برسد و این تاریخ شفاهی مدون شود. باید توجه داشته باشیم که علی‌رغم این‌که می‌گوییم صدسالگی تئاتر کودک و نوجوان و مدعی هستیم که صد سال تئاتر کودک داریم متأسفانه این‌گونه نیست. تئاتر مخصوصاً تئاتر کودک با همهٔ مظلومیتی که از ابتدا داشته و دارد سال‌های سال مهجور ماند و به آن توجه نمی‌شد، در حقیقت متولیان اقبالی نسبت به آن نداشتند. حالا این اتفاق به خوش‌یمنی دارد رخ می‌دهد.



۶۵ سالگی

اما در پاسخ به پرسش شما باید بگویم من ۲۰ آبان ۱۳۲۹ در تهران، خیابان شاهپور سابق به دنیا آمده‌ام. پدرم کارمند دولت بود. من سومین فرزند خانواده محسوب می‌شوم، در حقیقت پسر بزرگ خانواده هستم.

● پدر شما در کدام اداره کار می‌کردند؟

○ پدر من در اداره‌ای به اسم اداره بازرگانی و صنایع معادن کار می‌کرد. حدود ۱۳۳۳ بود که به استان کرمانشاه منتقل شد و ما تهران را برای سال‌های طولانی ترک کردیم.

● یعنی در چهارسالگی شما؟

○ بله، من کوچک بودم، ولی یادم است که با این اتوبوس‌های بزرگ دماغ‌دار به سمت کرمانشاه در حرکت بودیم و مادرم به شدت، دل‌گیر بود. من دو خواهر داشتم که بزرگ‌تر از من بودند. مادرم بچه چهارمش را هم باردار بود و خیلی غصه می‌خورد.

● چرا؟

○ برای این‌که از نظر او ما داشتیم به سرزمین غریبی می‌رفتیم. خوب آن

موقع راه‌ها طولانی بود، می‌گفت: «شوخی که نیست ۱۰۰ فرسخ راه است و دیار غریب.» به هر حال ما به کرمانشاه رفتیم و در یک خانه استیجاری سکنی گزیدیم. طبق آن چیزهایی که من در خاطرم دارم، بچه که بودم در همان خانه‌ای که زندگی می‌کردیم صاحب‌خانه ما خانمی به نام «ایران‌خانم» بود، ایشان هم پسری داشت درست هم سن و سال من که ما با هم بازی می‌کردیم، جالب است اسم هر دوی ما هم حسین بود.



• پس در واقع اسم شما حسین است.

○ بله، در شناسنامه حسین است

• و فامیلی شما هم خلیج است.

○ در واقع خلیج امیرحسینی است. پدر من اصالتاً اهل ساوه است. خلیج هم نام طایفه بزرگی است که کتابی هم به نام *تاریخ ایل خلیج*^۱ به سرگذشت این مردمان در طی تاریخ پرداخته است.

• پس حسین خلیج امیرحسینی نام و فامیل کامل و دقیق شما است؟

○ بله، در همان سال‌ها گویا این پسر در یک گردش تفریحی که به طاق بستان می‌روند در دریاچه طاق بستان غرق می‌شود، در پنج‌سالگی.

• ای وای!

○ بله، به قول قدیمی‌ها این پسر هفت‌ساله مراد بود. مادر او به دلیل این‌که ما هم بازی بودیم هر وقت من را صدا می‌کردند، می‌نشست و زارزار گریه می‌کرد، بالاخره پدر و مادرم به این نتیجه رسیدند که دیگر من را به این اسم صدا نکنند و نام دیگری روی من بگذارند. چون با بردن نام من، آن مادر داغش تازه می‌شد.

• در واقع شما را که می‌دیدید، یاد پسر خودش می‌افتاد.

○ بله، به هر حال ما همبازی بودیم و خیلی با هم انس داشتیم. مرتب یا او خانه ما بود یا من در اتاق آن‌ها بودم. خلاصه قرار شد که من را «منصور» صدا کنند، به این صورت این نام روی من ماند تا همین الان که در خدمت شما هستم. در مدرسه هم که حتماً دیده‌اید اسامی را ساده می‌کنند، «منصور خلیج» هم برای صدا کردن و زودتر به نتیجه رسیدن جمع‌وجورتر بود، از همین رو من را منصور خنج صدا می‌کردند.

• این‌ها قبل از دبستان است؟

۱. نوشته خسرو و محمد امیرحسینی، نشر راز نهان، تهران، ۱۳۹۴

○ بله قبل از دبستان است. هفت ساله که بودم وارد مدرسه شدم، مدرسه‌ای که در حقیقت در منطقه یا بخش سه کرمانشاه بود. این منطقه منطقه اعیان‌نشین نبود. در کنار مدرسه ما مسجدی هم بود که به آن مسجد «لالوها» می‌گفتند، مسجدی بود که متعلق به اهل تسنن بود.

● نام مسجد چه بود؟

○ به آن مسجد لالوها می‌گفتند.

● لالوها؟

○ بله.

● چرا؟

○ نمی‌دانم، شاید آن‌جا مثلاً به کسانی که اهل تسنن بودند «لالو» می‌گفتند و در حقیقت شاید واژه محلی کردها باشد. خلاصه من به مدرسه رفتم اما خاطره خوبی از آن دوره‌های مدرسه ندارم. خاطرم هست هفتم مهر بود، من کلاس اول بودم. هنوز هفت روز پیش‌تر به مدرسه نرفته بودیم. آن روز وقتی به خانه آمدم، دیدم در خانه باز است و تعدادی آدم هم در حیاط خانه ما جمع هستند. حال و هوا نشان می‌داد که حادثه ناگواری اتفاق افتاده است. از نگاه‌ها متوجه شدم. چون مدت‌ها بود که مادرم مریض بود. از زمانی که به کرمانشاه رفته بودیم چیزی مثل سرطان مادرم را آزار می‌داد. خوب آن موقع هم امکانات پزشکی کم بود، دوا و درمان هم خیلی جوابگو نبود. به اضافه این که پدرم هم مرتب در سفر بود. او مسئول اداره‌ای در کرمانشاه بود، همدان هم زیر نظر استان کرمانشاه بود، بروجرد، ملایر و همه این شهرها جزء استان پنج بودند و به همین خاطر مرتب پدرم در سفر و مأموریت بود. من یادم است که وقتی مادرم خیلی حالش بد می‌شد من می‌رفتم و یک آمپول‌زنی را که آشنایی با پدرم داشت، به خانه می‌آوردم. آن موقع باید آمپول را هم در آب‌جوش روی این پرموس‌ها گرم و بعد به بیمار تزریق می‌کردند، خلاصه هفتم مهر همان سال اول دبستان، من مادرم را از دست دادم.